

چرا اولیای خدا از رسیدن ماه رمضان خرسند می شدند؟



رهبر معظم انقلاب

ماه رمضان، فرصت بسیار استثنایی و بزرگی است و به لطف خدای متعال، امسال هم این فرصت به ما داده شد که بتوانیم در این ماه مبارک بر سر سفره ضیافت الهی حاضر بشویم. این فرصت استثنایی در طول سال، نظیر ندارد. در ماه رمضان برای ما خاکیان و زمینیان چه سعادت بزرگی است که با ملائکه الهی و با روح امین هم‌نشین بشویم: «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ». لیلۀ القدر در ماه رمضان، شب هم‌نشینی خاکیان با فرشتگان ملا اعلاست.

همان‌طور که کاروان بشری به سوی نهایی در حال حرکت دائمی است، هر فرد انسان هم در طول زندگی خود در حال حرکت به یک منتها، غایت و سرمنزلی است: «آنک کادح الی ربک کدحا فملاقیه». این مسیر طولانی و پرفراز و نشیب از گذرگاه‌های گوناگونی می‌گذرد؛ رنج‌ها در آن هست، بلاها در آن هست، سختی‌ها هست، گشایش‌ها و فرج‌ها و شادی‌ها در آن هست: «بلوناهم بالحسنات و السيئات»؛ همه این‌ها هم آزمایش است. افراد بشر این راه طولانی را باید طی کنند و سعی کنند خود را به اوج نقطه کمال انسانی، یعنی به لقاءالله برسانند. حرکت در بعضی از قطعات این راه دشوار است؛ مثل مسیرهای زندگی معمولی؛ گاهی انسان از گذرگاه دشواری عبور می‌کند؛ گاهی از جاده سختی، در گردنه‌ای مجبور است بالا برود؛ گاهی سر راه انسان باتلاقی قرار می‌گیرد؛ گاهی هم راه، راه گسترده و مرکب، مرکب همواری است.

ما در طول سال و در مسیر طولانی حرکت خودمان در چالش با هواهای نفسانی، با گناهان، با فضاهای تاریکی که خودمان به‌دست خودمان به‌وجود می‌آوریم، با مشکلاتی مواجه می‌شویم. گاهی انسان برای این‌که حال دعا پیدا کند، مشکل دارد؛ گاهی برای این‌که قطره اشکی بفشانند، مشکل دارد؛ چون راه دشوار است، به‌وسیله خلاف‌ها و گناه‌های خود احاطه می‌شویم؛ اما قطعه ماه رمضان، آن قطعه‌ای است که حرکت در آن قطعه آسان است؛ مثل این است که در راه دشواری که می‌خواهید به محلی یا به شهری برسید، گاهی مجبورید پیاده راه را طی کنید؛ گاهی مجبورید از آب بگذرید؛ گاهی مجبورید از باتلاق بگذرید؛ یک‌جا هم می‌رسید به فرودگاهی که هواپیمای مجهزی آماده است تا شما را بی‌دردسر و با خیال راحت و پس از طی مسیر طولانی به مقصد برساند. آغاز ماه رمضان، رسیدن به همین فرودگاه است.

خدای متعال راه را در ماه رمضان هموار کرده است. این روزهای که شما می‌گیرید، نفس و هواهای نفسانی را به زنجیر می‌کشد؛ این عبادت‌ها، این دعاها، این خشوع‌ها، این ذکرها و این لیلۀ القدر همان وسایل همواری است که شما را فرسنگ‌ها جلو می‌برد؛ راهی را که در طول سال و در ماه‌های دیگر گاهی یک متر یک متر، باید طی کنیم؛ می‌توانیم اگر همت کنیم و اگر خودمان را برسانیم، در ماه رمضان این راه را فرسنگ‌فرسنگ طی کنیم؛ لذاست که شما می‌بینید اولیای خدا از مزه‌دهی رسیدن ماه رمضان خرسند می‌شدند و از فراق ماه رمضان اشک‌هایشان سرازیر می‌شد...



از سلسله سخنرانی‌های علامه مصباح یزدی

امام رحمۀ‌الله بارها فرمودند: جوان‌ها قدر جوانی را بدانید. وقتی پیر می‌شوید، دیگر نمی‌توانید کاری انجام دهید. ما وقتی جوان‌تر بودیم، درست نمی‌فهمیدیم سخن امام یعنی چه؟ حال که مقداری پا به سن گذاشته‌ایم، می‌فهمیم که امام چه می‌فرمودند. جوان‌ها! تا جوان هستید و اراده دارید، خیلی کارها می‌توانید انجام دهید، پس تصمیم بگیرید. وقتی انسان پا به سن گذاشت، دیگر تغییر وضعیتی که به آن عادت کرده، مشکل است. می‌خواهد کاری انجام دهد، ولی بدنش پاسخ نمی‌دهد. می‌خواهد فکر کند، اما مغزش آمادگی ندارد. تا جوان هستید، قدر خودتان را بدانید. سعی کنید مهار نفس را بشوید و آن را آزاد نگذارید. به هر حال براساس این روایت، دشمن‌ترین دشمنان نفس انسان است. یک دشمن قسم خورده خارجی نیز داریم که گفته است: «فبعزک لاغونهم اجمعین». آن‌جا که با خدا سخن می‌گفت و هیچ حایل و مانعی نبود، گفت: خدایا! به عزت تو قسم که همه بنی‌آدم را گمراه خواهم کرد. «الا عبادک منهم المخلصین». این دو دشمن خیلی بزرگ هستند. بچه دشمن‌ها و دشمن‌های کوچک ما نیز فراوان هستند.

شیطان در بین انسان‌ها شاگردانی تربیت کرده که از خود او کم‌تر نیستند. گاهی شاید از خودش هم بالاتر باشند. در روایات است که بعضی از آدمی‌زادها عمق عذابشان از ابلیس هم بالاتر است.

وقتی گناهان را بشناسیم و توجه داشته باشیم که گناهان سمی است که از دهان ماری مثل نفس و ازدهایی مثل شیطان به کام ما فرو ریخته می‌شود و اگر باور کنیم که گناهان سم کشنده است، می‌بایم که طاققت مقابله نداریم. اگر دشمن کوچکی در برابر انسان باشد که با یک ضربه به زمین بخورد، انسان دیگر فرار نمی‌کند. ولی ما بارها آزمایش کردیم با این‌که تصمیم قبلی گرفتیم و خودمان را مجهز کردیم که با دشمن مقابله کنیم، آخرش زمین خوردیم، البته زمین خوردن افراد فرق می‌کند.

پس باید بدانیم که دشمن داریم؛ دشمنی که ما را تعقیب می‌کند و ما اگر خودمان باشیم و خودمان و کسی به ما کمک نکند، از پس این دشمن بر نمی‌آییم. عقل ما و قلب ما در مصاف با شیطان و نفس در معرض زمین خوردن است. اگر جایی زمین نخوریم، مطمئن باشید دستی بالای سرمان بوده، و گرنه اگر خودمان باشیم، با این سرمایه‌های معرفتی و ایمانی ضعیفی که داریم، در مقابله با حیلۀ‌های شیطانی راه به جایی نمی‌بریم. به همین دلیل فرار می‌کنیم. اگر توان داشتیم، همان‌جا می‌ایستادیم و مقاومت می‌کردیم. حال که فرار کردیم کجا برویم؟ کسی که می‌تواند ما را، هم از شر نفس و هم از شر شیطان حفظ کند و نجات دهد، خداست. اگر به دامن او پناه ببریم و به ریسمان او چنگ بزنیم، اگر به اولیای خدا متوسل شویم که همه مظاهر صفات رحمت و کرم او و وسایلی هستند که خود او برای ما قرار داده، آن‌وقت می‌توانیم با این دشمن‌ها مقابله کنیم، وگرنه اگر بخواهیم به قدرت خودمان متکی باشیم، به یقین زمین خواهیم خورد.

غیر از دشمن‌های ظاهری که همه می‌شناسیم و برای امور دنیا ما را تعقیب می‌کنند، دشمن‌های خطرناک‌تری داریم که می‌خواهند سعادت ما را از بین ببرند، ایمان ما را هدف قرار داده‌اند و می‌خواهند ما را از خدا دور کنند. هر قدر انسان این حالت را بهتر در خود مجسم کند که چه دشمنان زیادی دارد، آن‌وقت بهتر حال مناجات و نماز و دعا می‌پاید. ما دشمن‌هایی داریم که هدف همه آن‌ها دور کردن ما از خداست. یک دشمن داخلی داریم که براساس آن روایت شریف، دشمن‌ترین دشمنان است. خواسته‌های شیطانی، نفسانی و شهوانی با نزدیکی به خدا و رسیدن به مقامات اولیا تناسبی ندارد. هر قدر انسان به این‌ها سرگرم شود، از آن مقام دور می‌شود و از آن آمادگی برای حرکت به مقام عالی اولیای خدا باز می‌ماند. حرام‌ها و گناهان کبیره که جای خود دارد، حتی هواها و هوس‌های حلال نیز دست کم انسان را میخ‌کوب می‌کند. اگر انسان به‌خاطر این‌که دلش می‌خواهد، به خواهش‌های نفسانی حلال، یعنی مباح، نه آن‌چه مستحب یا واجب است توجه کند، در نتیجه از خدا باز می‌ماند. خیلی چیزها داریم که در شریعت واجب یا مستحب شده و با دلخواه ما هم سازگار است، مثل افطار کردن، سحری خوردن و ... که اگر انسان بتواند به قصد اطاعت خدا انجام دهد، غیر از این‌که روزه می‌گیرد و روزه‌اش عبادت است اگر افطارش نیز به قصد اطاعت خدا باشد و حداقل آدابش را رعایت کند، دعایش را بخواند و ابتدا با چیزهایی افطار کند که در شرع وارد شده و تأکید شده است، همین‌ها هم عبادت به شمار می‌آید.